

است ولی فقهاء ما ذکر نکردند، یکی از آیاتی که در قرآن کریم است این که {وَ مَا لَكُمْ لَا تَقْاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوَلَدَانِ} این از آیات سوره نساء است که چرا شما قتال نمی‌کنید در راه خدا؟! مستضعفین عطف به جای الله است {وَ فِي سَبِيلِ اللهِ فِي السَّبِيلِ الْمُسْتَضْعَفِينَ} و در راه نجات مستضعفین که در چنگال مستکبرین گرفتار شده‌اند باید شما مسلمان‌ها قتال و جهاد کنید و آهـا را از چنگال مستکبرین نجات دهید، آیه ۱۷۱ به بعد در تفسیر آیت الله طباطبائی جلد چهارم صفحه ۴۴۷ در سوره نساء این آیه را به آن ترتیبی که عرض کردیم معنا می‌کند بعداً ایشان می‌گویند که تعصّب به طور کلی در اسلام مذمود نیست ولی به طور کلی هم مذموم نیست بعضی از تعصّب‌های باطل البته مذموم است اما بعضی تعصّب‌ها مثل تعصّب انسان درباره عرض و ناموس خودش، درباره عزّت و عظمت خودش لازم است، مستضعفین هم برادران شما هستند لااقل هم نوعان شما هستند شما بایستی اگر قدرت دارید قیام کنید و مستضعفین را از چنگال مستکبرین نجات دهید، یکی از بیانات امام که عرض می‌کنیم همین است که جهاد یک نوعش قیام است که افرادی از مسلمانان که قدرت دارند برای آزاد ساختن مستضعفین از زیر سیطره‌ی مستکبرین قیام کنند، کلمات امام را بعداً می‌خوانیم، در باب دوازده از ابواب جهاد عدوٰ ما چند روایت خواندیم، از آنها فقهاء استفاده کرده بودند که جهاد واجب است ولی وجودیش مشروط به وجود امام معصوم است یا نائب خاص نه نائب عام، از این جهت در زمان غیبت امام معصوم جهادی واجب نیست و این خیلی جهاد را متوقف می‌کند و کمرنگ می‌کند، صاحب ریاض (که قبلًاً گفتیم) اینگونه گفتند که اجماع فقهاء بر این است، ما این را ردّ کردیم و گفتیم که شیخ مفید مخالف بودند، صاحب ریاض ادعای اجماع می‌کنند که در زمان غیبت معصوم جهادی نیست خوب! جهاد که در میان مردم نباشد مردم کم کم فنون نظامی را فراموش می‌کنند، این بحث‌ها یک بحث‌هایی است که تا حدی تازگی دارد در حوزه، جهاد کردن تمرین می‌خواهد ولی جهاد که تعطیل شد دیگر اینها وجود خواهد داشت ملت تقریباً یک ملت ضعیف می‌شود از هر طرف حمله به آهـا خیلی آسان می‌شود الان که شما می‌بینید ایران از هر طرف دشمنان از آن حساب می‌برند به این دلیل است که جهادی در آن صورت گرفته و مجاهدینی تربیت شدند، عاشقان شهادت فراوان وجود دارند میلیون‌ها نفر به این تربیت وجود دارند دیگر دشمن جرأت نمی‌کند نه از راه هوا، نه دریا، نه زمین به طرف ایران کج نگاه کند ولی قرن‌های قبل اینطور نبوده است، خود

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: جهاد جلسه پنجم و ششم تاریخ: ۸۷/۱۱/۱
الحمد لله رب العالمين و الصلاة والسلام على خاتم الانبياء والرسلين سيدنا و نبينا أبا القاسم محمد و على أهل بيته الطيبين الطاهرين المخصوصين سيما بقيمة الله في الأرضين واللعن على أعدائهم أجمعين.

بحث در اقسام جهاد بود، فقهاء ما با توجه به برخی از آیات و تفسیک به آهـا جهاد را به اقسامی که ذکر کردیم تقسیم کردند. جهاد با کفار که کفار هم دو قسم اند اهل کتاب و غیر اهل کتاب، که جهاد با اینها متفاوت است و یا کسانی که بغا باشند و یا کسانی که حمله کنند به مملکت اسلامی و در برابر آن حمله به عنوان دفاع به جهاد بپردازند، این اقسامی بود که گفته بودند.

جهاد در لغت عرب به معنی جهاد و کوشش است و هر جهاد و کوششی که فی سبیل الله باشد در قرآن جهاد نامیده شده است {تجاهدون باموالکم و أنفسكم} و امثال این تعبیرات، هر کوشش و سعی ای که برای اعلای کلمه اسلام باشد برای تأمین عزّت و عظمت اسلام باشد این جهاد است. بنابراین ما با توجه به سیره پیغمبر(صلی الله عليه و آله) و سیره اهل بیت(عليهم السلام) جهاد را منحصر به اقسامی که فقهاء فرموده بودند نمی‌دانیم و نباید بدانیم چون مواردی می‌باشد که به آن جهاد گفته شده است ولی در اقسامی که فقهاء گفته‌اند نمی‌گنجد و شکی هم نیست که آهـا جهاد می‌باشد مانند قیام سیدالشهداء(عليه السلام) یا قیام زید بن علی بن الحسین(عليهما السلام) و یا قیام شهداء فتح و مانند آن، بنابراین ما جهادی است که در برابر ظلم و ظالمین و مستکبرین و کانون‌ها و مراکزی که برای طغیان و فساد و برای جلوگیری از نشر اسلام بوجود می‌آید است، اینها یک مطالی است که باید به آنها توجه داشت، در زمان ما اول کسی که این فکر را ایجاد کرد امام(رضوان الله عليه) بود، قبل از ایشان جهاد خیلی کمرنگ بود در نتیجه‌ی اینکه فقهاء جهاد را منحصر به آن چند صورت کرده بودند بعلاوه مشروط به اینکه باید امام معصوم حضور داشته باشند و جهاد با حضورش یا با حضور نائب خاص او صورت بگیرد به طور کلی جهاد را از صحنه زندگی مسلمان‌ها دور کرده بودند ولی امام (رضوان الله عليه) جهاد را به صحنه زندگی آوردند، الان هم آن عزّت و عظمتی که برای اسلام و ایران و انقلاب می‌بینیم در سایه همین است که ایشان جهاد را پررنگ کردن و فرهنگ جهاد و شهادت طلبی را پررنگ کردن و باعث شده که اسلام عظمت دیگری پیدا کند، در قرآن در بعضی از آیات است که از آهـا استفاده می‌شود که جهاد اعم

جهاد واجب نیست، نه آمادگی است، نه تجهیزاتی است، نه یادگر فتن فتوح رزمی است، بعضی فتاوی را میرزای قمی در جامع الشتات دارد چون ایشان در آن زمان بوده و فتوی صادر کرده ولی پیشرفت نکرده است، در نتیجه جهاد باید همیشه در صحنه همکلت اسلامی به عنوان یک موجود زنده، یک موجود تحرک بخش و عظمت آفرین، همیشه زنده و پارچا باشد به همین دلیل به نظر پنده ترک این مسائل به این ترتیب باعث ضرر و عقب‌ماندگی زیادی برای مسلمان‌ها شده است.

حالا دو سه کلمه از کلمات امام را می‌خوانیم، ما ۵۰ جلد دفتر تبیان داریم که کلمات امام را جمع کردند چند جلد از این مربوط به جهاد است دفاع مقدس یک جلد است، سپاه پاسداران یک جلد است، ارتش یک جلد است، در دفتر تبیان شاره ۲۴ امام می‌فرمایند جنگ ما جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد ما به کسانی که با عقیده ما هماهنگ نیستند می‌جنیگیم، پنده نوشته‌ام ترسیم چنین افق وسیعی از حوزه‌ی جهاد که امام فرموده‌اند برای عظمت اسلام سیار مؤثر است، ایشان می‌گویند دفاع از اسلام و مسلمین و مستضعفین، دفاع از حزب الله از نهضت کشوری اسلامی سرچشم می‌گیرد ما نباید با جهاد خودمان آبروی اسلام و مسلمین را حفظ کنیم؛ و این الگوگیری امام از سیره نبوی و ائمه‌(علیهم السلام) سرچشم می‌گرفته است و احاطه زیادی بر تاریخ دارند، خود امام می‌فرمایند که اگر یک ملتی بخواهد مقاومت کند برای یک حرف حقی، باید از تاریخ اسلام استفاده کند، بینند که در تاریخ اسلام چه گذشته و گذشته سرمشقی است برای آینده، این در صحیفه امام جلد ۲۱ صفحه ۸۷ آمده است.

پیغمبر(صلی الله علیه و آله) چند دفعه نامه نوشتند برای سلطان روم، در دفعه دوم آن شخص که نامه را می‌برد (آن وقت‌ها روم طوری بود که اردن و سوریه و لبنان و فلسطین همه جزو قلمرو روم بودند) کشتند، پیغمبر برای اینکه آن شخص کشته شد لشکری فراهم کرد و جنگ موته در این رابطه بوجود آمد، یک نفر کشته شده بود ولی پیغمبر برای نشان دادن قدرتشان یک لشکری می‌فرستند یا در جنگ تیک که دوباره با روم بود.

بنده نوشته‌ام این پیر فرزانه همواره در طول حیات خود در مبارزات انقلابی خود سیره پیغمبر و ائمه معصومین(علیهم السلام) را الگو قرار داده بود و ایشان نوشه است که با خدای خویش عهد کردیم که دنیالله‌رو امام خودمان سید الشهداء(علیه السلام) باشیم. در جای دیگر امام(رضوان الله علیه) در جلد ۲۰ صحیفه نور صفحه ۳۱۳ می‌فرمایند که کدام فتنه و بليه بالاتر از اينکه دشمن اسلام خصوصاً در اين زمان برای

صاحب ریاض که اینطور می‌گوید پسرش سید محمد مجاهد گرفتار یک جهادی شد و شکست خورد چون در زمان سید محمد مجاهد روسیه به ایران حمله کرد ایران در دو مرتبه‌ای که به جنگ روسیه رفت آنها ۱۷ شهر را گرفتند و در هر دو ما شکست خوردیم اولی به عهدنامه گلستان ختم شد و دومی به عهدنامه ترکمنچای، بعد از دادن این همه مضرات و خسارات‌ها و جان‌ها و تلفات ما ناچار شدیم تن به صلح بدھیم، سید محمد مجاهد در دومین جنگ حاضر بود و حکم جهاد را هم صادر کرد ولی با آن مقدمات که نمی‌شد به جنگ رفت مردم حاضر شدند ولی به دلیل اینکه حکومت ایران حکومت ارباب و رعیتی و خان خانی بود و اینکه استبداد قاجاری حاکم بود موفق نشدند، مردم مسلمان همیشه خوب بوده اند و همیشه با ما هستند اگر ما واقعاً آن طور که لازم است حرکت کنیم، این جنگ در حدود ۲۰ ماه طول کشید که سید محمد مجاهد حرکت کرده بود از نجف و کربلا آمده بود به هر شهری که می‌رفت با استقبال مردم رو به رو می‌شد مردم ایران ۲۰ ماه خسارت این جنگ را تحمل کردند در آن روزها رساندن آذوقه به جبهه‌ها خلیل سخت بود ۱۰ نفر مجتهد در رکاب ایشان بودند یکی حاج ملا احمد نزاعی بود که هر کدام یک مرجعی بودند تمام طلاب حوزه‌های علمیه حرکت کردند در رکاب بودند شب‌ها در جبهه‌ها نماز جماعت برقرار بود و گفتن احادیث درباره جهاد، مسائل دینی و احکام و گرم کردن مردم، ولی چه باید کرد؟! یک مملکتی است که چندین قرن حکمی از جهاد نبوده آمادگی نبوده، بالاخره در هر دو جنگ ایران شکست خورد، در دومین جنگ کاپیتالیسیون بوجود آمد که روسیه علاوه بر اینکه خسارت جنگی از ایران گرفت در حالی که او حمله کرده بود و شهرهای ما را گرفته بود ولی ما باید خسارت می‌دادیم و کاپیتالیسون به این صورت بود که کسانی که از کشور خارج در ایران هستند باید مصونیت قضایی داشته باشند که هر کاری بکنند ایران حق حاکمه ندارد، بعلاوه وققی که سید محمد مجاهد از مرز روس و ایران برگشت، یکی از کارهایی که روسیه انجام داد این بود که قبول کرد بعد از فتحعلی‌شاه پسرش عباس میرزا حاکم ایران باشد و سعی کردد شکست‌ها را به گردن آخوندها بگذارند و به طوری این تبلیغات را انجام دادند که به هر شهری سید محمد مجاهد قدم می‌گذاشتند مردم کجاوه‌اش را سنگ باران می‌کردند، آب دهان به سویش می‌انداختند و به او و طلبه‌ها بد می‌گفتند، در کتاب روضة الصفا که فارسی است جریانش هست که اهانت به علماء فراوان است، با نعلین و عمame رفته بودند به جنگ و شکست خوردند بودند، از این قبيل تعبیرات دارد، چرا اینجور شد؟! چونکه در قرن‌ها فتوی داده شده که

خواب گفتید هیمن طور است {قال ابوعبدالله(علیه السلام) هو كذلك هو كذلك} این خبر دلالت دارد بر اینکه جهاد با غیر امام مثل اکل میته و اکل لحم خنزیر است. ولی سندش ضعیف است این را فقهای ما ذکر کرد هاند و خبرهای دیگر که ما خواندیم، در این باب خبر هشتم که سندش صحیح بود این طور می گفت باید در جهاد در رکاب کسی بود که حکم خدا را اجرا کند، این اعم است از امام و نائب امام و فقیه و غیره، اگر یادتان باشد آنجا ما این روایات را بررسی کردیم، و آن که صحیح بود دلالت بر آنچه می گفتند نداشت چون بعضی از این روایات تعبیر به امام دارند، بعضی امام عادل و بعضی امام معصوم، ولی در روایت ما امام معصوم نداریم، اولاً روایات دلالت نداشتند، دوم اینکه صاحب جواهر در آنجا گفت که این روایات مخالف ولایت فقیه است چون ادله دال بر ولایت فقیه، فقیه را جانشین امام می داند در هر کاری، آنجا اشکال کردیم که اجماع نیست چون شیخ مفید که کلماتش را ذکر کردیم می گوید در زمان غیبت امام زمان فقهاء از راه امر به معروف و نهی از منکر باید به جهاد قیام کنند، خوب از این جهت ما اجماع را رد کردیم، حالا بحث ما این است که این روایت که در باب ۱۲ می باشد و قبلًا بحث شده و آن خبر که دیروز خواندیم و ناقم ماند، دلالت دارند بر اینکه امام لازم نیست و همین قدر که مردم تائیون و عابدون و سائحون و راكعون و ساجدون و ... باشند و این صفات را دارا باشند کفایت می کند و باید جهاد کنند. چطور شده که فقهاء آن روایات را ذکر می کنند اما این روایات که دیروز ما خواندیم که از آنها استفاده می شد که امامی لازم نیست و مردم مسلمان که احساس مسئولیت کنند باید بروند و جهاد کنند را ذکر نکردند.

بر چیدن اساس اسلام به بر پا کردن حکومت‌هایی مثل حکومت ستم شاهی و برگرداندن مستشاران غارتگر و بر باد دادن عزت و عظمت در کشورهایی مثل عراق و ایران دست به کاراند، بعد می فرمایند {قاتلوهم حتی لا تكون فتنة} باید شما مسلمان‌ها قتال کنید تا فتنه و فساد را از زمین بردارید، باز ایشان در جلد ۲۷ صحیفة نور صفحه ۳۱۸ می فرمایند که هیهات که خمینی در برابر تجاوز دیو سیرستان و مشرکان و کافران به حریم قرآن و عترت رسول خدا ساخت و آرام باند و یا نظاره‌گر صحنه‌های ذلت و غارت مسلمان‌ها باشد نباید مسلمان‌ها نظاره‌گر واجب حق و دفاع از مسلمان‌ها آماده نمودم و در انتظار فوز عظیم شهادتم، آخرین کلام ایشان، قدرت‌ها و ابر قدرت‌ها و نوکران آنان مطمئن باشند که اگر من یکه و تنها هم بانم برای مبارزه با ظلم و کفر و شرک و بتپرسنی به راه خود ادامه خواهم داد به یاری خدا در کنار پسیجان اسلام این پا بر هنرهای مخصوص دیکتاتورها خوب راحت را از دیدگاه جهان خواران و سرسپردگانی که به ظلم و ستم خویش اصرار می نمایند سعی خواهم کرد. خلاصه این جهاد و روحیه جهادی است و ما جهاد را اینگونه معنا می کنیم.

عرض کردم به اینکه در باب دوازدهم از ابواب جهاد عدو که تکیه‌گاه مهیّ بود که روایاتی داشتیم که جهاد واجب نیست آل مع الامام در آن باب ما خواندیم که اگر یادتان باشد ده، دوازده روایت بود، این روایات که صاحب جواهر هم داشتند جواهر جلد ۲۱ صفحه ۱۱ {لا خلاف بیننا و الاجماع بقسمیه عليه یجب الجهاد بشرط وجود الامام(علیه السلام) و بسط يده أو من نصبه للجهاد} بعد آمدن در این باب دوازدهم از ابواب جهاد عدو از وسائل جلد ۱۱ صفحه ۳۲ روایات را ذکر کردند روایات که ایشان ذکر کردند خبر یک، دو، سه، چهار، پنج، هفت، هشت و ده است برای آن مدعای خودشان. باب دوازده از ابواب جهاد عدو صفحه ۳۲ از جلد ۱۱ وسائل ۲۰ جلدی، خبر اوّل باب که ضعیف هم بود خبر بشیر دهان که ما گفتهیم بشیر دهان و ثاقبیش ثابت نیست این روایت را با این ضعف سند علامه در تذکرة، علامه در منتهی، صاحب ریاض و مسالک همشان ذکر کردند، روایت این است {عن ابی عبدالله(علیه السلام) قال قلت له ائی رأیت فی المنام ائی قلتُ لک أَنَّ القتال مَعَ غَيْرِ الامام المفترض طاعته حرام مثل المیته والدم و لحم الخنزیر} می گوید من در خواب دیدم که به شما می گویم که قتال با غیر امامی که طاعت شما مفترض باشد حرام است، حرمتش مثل میته است و دم است و لحم خنزیر، {وَ قَلْتَ لِي نَعَمْ هُوَ كَذَلِكَ} در خواب به شما گفتم و شما هم در